

محمد رضا حامدی

دکترای تاریخ، عضو هیأت علمی گروه تاریخ دانشگاه آزاد واحد ابهر
ایران- ابهر

قطریه، بلوار کاوه شمالی، مجتمع سبحان، بلوک A، واحد ۲۰۱۶

آذر حیدری هوشیار

کارشناسی ارشد تاریخ، کارشناس ارشد میراث فرهنگی و گردشگری
ایران- تهران

چکیده

یورش‌های تیمور به ایران نه تنها از نظر لشکرکشی، بلکه در ابعاد فرهنگی و هنری تأثیر بسیار شگرفی به جا گذاشت. ظهور تیمور و اعتقالبش علیرغم خونریزی‌های سفاکانه یکی از برجسته‌ترین سده‌های پیشرفت ایران از جهت شکوفایی هنری را به دنبال آورد. تیمور با آنکه کشورگشایی بنام و موفق بود، در معماری و انواع هنرها، حامی و مشوق بزرگ برای پیشرفت هنرمندان گردید. جانشینان وی نیز به عنوان پشتیبانان هنر و هنرمندان در این دوره از تاریخ دارای ارزش و اعتبار می‌شدند. هنرمندان این روزگار از پشتیبانی سلاطین و شاهزادگان و دولتمردان برخوردار گردیدند و همین امر یکی از بزرگترین علل شکوفایی هنر در این عصر به شمار می‌رود. پادشاهان و فرمانروایان در تشویق هنرمندان نقش بسیار مؤثر و ارزشمندی را ایفا نمودند. اقتدار تیمور در کشورگشایی، پیروزی بر سرزمین‌های وسیعی از مناطق ایران و سرزمین‌های دیگر گردید. سیطره و قدرت بیش از حد تیمور موجب شد در انواع هنرهای ظریفه مانند نقاشی، خوشنویسی، هنر تذهیب، هنر تجلید به خصوص هنر و سبک معماری و به تبع آن تزیینات مجلل برای نشان دادن شکوه و عظمت دربار و اریکه تیموری از حمایت‌های ویژه‌ای بهره‌مند گردد. مقاله حاضر سعی در تبیین فعالیت‌های فرهنگی و هنری در دوره تیموریان با استفاده از روش‌های توصیفی- تحلیلی با تکیه بر اسناد و منابع کتابخانه‌ای دارد.

کلید واژگان: عصر تیموریان- نقاشی - خوشنویسی- هنر تذهیب- هنر تجلید

مقدمه

یورش‌های سه‌گانه تیمور به ایران به زعم اکثر مورخین، دومین حمله ویرانگر و مخرب بعد از حملات مغولان محسوب می‌شود. از طرف دیگر تیمور به ایران موجب شکل‌گیری دوره تیموریان در بورس تاریخ ایران گردید. بر اساس رفتار و روحیه جهانگشایی تیمور، در نگاه اول انتظار می‌رود که میراث وی و جانشینانش در حوزه فرهنگی، میراثی به مانند مغولان بر جای گذارد. اما با مذاقه در حوزه فعالیت‌های عصر تیموریان یکی از ادوار درخشان و پربار فعالیت‌های فرهنگی و هنری محسوب می‌شود. چنانچه اگر در حوزه‌هایی مانند معماری، نقاشی، خوشنویسی، تذهیب، تجلید و تاریخ‌نگاری عصر صفویان را سرآمد و اوج این فعالیت‌ها در تاریخ بعد از اسلام بدانیم، عصر تیموریان، عصر پدید آمدن مبانی این فعالیت‌ها محسوب می‌شود. این پدیده دو علت اساسی می‌تواند داشته باشد. تشویق تیمور و ثروت‌های وی ۱- تشویق و حمایت تیمور و جانشینان او از هنرمندان و دانشمندان دوم ثروت و غنایم سر شاری که وی برای جانشینان خود به ارمغان گذاشت. مسأله اصلی مقاله و یکی از مهمترین علل شکوفایی انواع هنر در این عصر محسوب می‌گردد و انتظار می‌رود چهره فرهنگی این مرحله از تاریخ ایران اسلامی را در روشنایی بیشتر قرار دهد.

هنرهای ظریفه هنرهایی هستند که در طول قرن‌های متمادی با حفظ ریشه و سنت‌های خود رشد کرده، مراحل شکل‌گیری خود را گذرانیده یا می‌گذرانند. نوآوری‌هایی که در انواع هنر به ویژه هنرهای ظریفه پدید آمد؛ بیشتر از رهگذر صاحبان حرف و صنعتگران و فرهیختگان سرزمین ایران بود که به فرمان تیمور مرکزی یافت و به سمرقند و هرات منتقل گردید و معماری و انواع هنر در مسیر رشد و تکامل قرار گرفت.

نگارگری یا نقاشی

در خصوص اسناد باقی مانده از هنر نقاشی در اوایل دوره اسلامی به دلیل تحریمی که در جهان اسلام نسبت به بازنمایی‌های پیکره انسانی و اشکال حیات حیوانی ابراز می‌شد. (پوپ، آرتور ، ۱۳۷۷، ۵۴) بسیار کمیاب می‌باشد. نقاشی بر اثر تحریم مذهبی فقط می‌توانست در قلمرو و محیط خطاطی و خوشنویسی کار کند و در سیر تحول و رشد خویش به خدمت شاهان و اعیان و اشراف به صورت تک چهره‌ها و نگارهای تخیلی درآید و به عنوان نسخه زیبایی در کتابخانه شخصی

نگهداری شود و یا در توضیح مطالب کتاب‌های تاریخ و دواوین شعر و قصص و حکایات به صورت‌های کوچک و ظریف با رنگ‌های زیبا و درخشان زینت داده شوند.

علاقه و اشتیاق زیاد تیمور به هنر منتهی به جمع نمودن کلیه هنرمندان و صنعت‌گران ایرانی مکتب بغداد که به عنوان دبستان جهانی عباسی (رابینسون، ۱۳۸۰، ۶۲) با تأثیرپذیری از افکار فنون بیزانسی و سنت بومی بود و هنرمندان و نقاشان چینی که متأثر عصر هنر و فرهنگ امپراطوری سلسله یوآن بودند در سمرقند و هرات شد. حضور آنها باعث شد که هنرمندان ایرانی با شیوه نقاشی آنها آشنا شوند و از آنها تأثیراتی بپذیرند. کلیه نقاشی‌ها از سال ۷۵۶-۶۵۶ هـ ق از نظر نمایش صورت‌ها، فرم جامه‌ها، عناصر گیاهی، منظره‌ها، بیانگر تلفیقی هنرمندانه از نگارگری چین، ایران، بغداد است (الماسی، ۱۳۸۰، ۳۲-۳۳) و برخی از آنها به لحاظ سبک با موضوعات گوناگونی از اژدها، ققنوس، حیوانات واقعی و تخیلی دقیقاً چینی هستند که تعداد زیادی از آنها در کتابخانه توپ قاپوسرای استانبول گردآوری شده است که بخش زیادی از آن در سمرقند پدید آمده است. حتی در نسخه‌های مصور درباره موضوعات نجومی که در دوره الغ بیگ به تصویر کشیده است در بردارنده جداول مختلفی از ثوابت است که شامل پیکره‌های نجومی با سبک و طرح چینی گونه به کار رفته است و در حال حاضر در موزه ملی پاریس محفوظ است. (پوپ، آرتور، ۵۷-۵۸) سیر تحول و تکامل نقاشی دوره تیموریان در سه مکتب تبریز، شیراز، هرات و همچنین اسناد نگارگری عصر تیموری نیز بر سه دسته خلاصه می‌شوند. دسته اول: نسخ تواریخ از جمله نسخه تاریخ حافظ ابرو که تصحیح و تکمیل کننده کتاب جامع التواریخ رشیدی است، کتاب ظفرنامه شرف‌الدین علی یزدی که سبک آنها مقدماتی می‌باشد. دسته دوم: نسخه‌هایی از متون ادبی را تشکیل می‌دهند و از امثال آنها می‌توان به شاهنامه موجود در تهران که به شخص شاهزاده بایسنقر منسوب شده است، شاهنامه محمد جوکی، چندین نسخه از خمسه نظامی، چندین نسخه از کلیله و دمنه در استانبول و تهران و چندین جلد از دیوان سعدی که از ظرافت و کیفیت خاصی برخوردار است، اشاره نمود. دسته سوم: نسخه‌هایی با رنگ‌های تیره و تند و عاری از ظرافت معرفی می‌شوند که به نقاشی ترکمنی متعلق به ترکمنان آق قویونلوها و قراقویونلوها می‌باشد.

نقاشان عصر تیموری

قاسم علی

وی از نقاشان ماهر بود که اسلوب و روش کاریش بسیار متأثر از روش فنی کمال‌الدین بهزاد است و این باعث شده که بسیاری از متخصصان فن آثار وی را با بهزاد به اشتباه بگیرند. از آثار وی نسخه خمسه نظامی است که در موزه انگلستان محفوظ است و دیگری نسخه کتاب خطی که جماعت صوفیه که در باغچه سبز و خرمی می‌باشند را به تصویر کشانده و در کتابخانه بورلی آکسفورد می‌باشد.

محمود مذهب

او در دربار سلطان حسین بایقرا مشغول بود. وی نیز از اسلوب بهزاد پیروی کرده از جمله آثار وی نسخه خطی (تحفته‌الاحرار) جامی و دیگری تصویری است در دو صفحه از یکی از نسخه‌های خطی خمسه نظامی که در کتابخانه ملی پاریس محفوظ شده‌اند.

احمد سید

سید احمد نقاش از نقاشان عهد بایسنقر میرزا است که به گفته دوست محمد هروی، بایسنقر او را از تبریز به کتابخانه خود مشغول نمود و در کنار جعفر تبریزی به کار کتاب‌سازی و کتاب‌آرایی مشغول شد.

احمدشاه نقاش (زرین قلم شیرازی)

نقاش و خطاط است و از آثار خطی وی چند جزوه قرآن با تاریخ ۷۶۶ هـ.ق به خط نسخ و ثلث در موزه رضا عباسی موجود است.

میرک هروی

روح‌الله به تحریر و تذهیب و سپس به نقاشی متمایل شد و در این هنر سرآمد و در نزد سلطان حسین بایقرا قربت تمام یافت و به کتابدار مخصوص وی انتخاب شد. (ویلسون، ۱۳۱۷، ۱۱۶-۱۱۷)

امیر خلیل

وی در نگارگری یگانه زمان خود و از مقربان شاهزاده بایسنقر بود. امیر خلیل از حمایت و توجه زیاد این شاهزاده هنرمند برخوردار بود. داستان جالبی در ارتباط با امیر خلیل نقاش و بایسنقر ذکر شده است که علاقه بی حد این شاهزاده تیموری را نسبت به هنر و هنرمندان روشن می‌سازد: «گویند شبی مولانا خلیل در صحبت بایسنقر میرزا به طریق ندما مزاح می‌کرد. امر تقلید به جایی رسید که بی اختیار پاشنه کفش او بر پیشانی بایسنقر آمد و بشکست و خون بر رخسارش ریخت. چون خدمتکاران این واقعه را مشاهده کردند، گرد پادشاه جمع شدند. در این میان مولانا امیر خلیل از بیم و هراس فرار اختیار کرده، خود را به یکی از حجره‌های چهل ستون محفوظ کرد، بایسنقر وقتی چنین دید برای آنکه خبر به سمع شاهرخ نرسد. بفرمود که ابواب آمد و شد باغ را مسدود سازند و مولانا خلیل را حاضر نمایند تا خاطر او از این ممر آزرده و خجل و شرمنده نباشد. مشعل‌ها افروخته شد و در اطراف باغ به جستجوی او پرداختند و وی را در حجره مذکور یافتند. او در را از درون بسته بود. چون ملازمان شاهزاده کمال التفات او را نسبت به مولانا می‌دانستند. در را بشکستند و کیفیت را به عرض رسانیدند. بایسنقر میرزا خود به قدوم عنایت به در آن حجره آمده، امیر خلیل را آواز داد و او در را گشاد و به پای آن حضرت افتاد و شاهزاده روی او را بوسه داد و همراه خویش آورد و از روی دلجویی نمود و اشیاء حاضر مجلس را از نقره و چینی و امثال آن با خلعت‌های فاخر بود بخشید.» (قومی، ۱۳۵۱، ۳۷۰)

امیر روح‌الله

معروف به میرک نقاش می‌باشد. خواجه علی‌مصور و پیر احمد باغشمالی از دیگر نگارگران این دوره هستند.

هنر خوشنویسی و خطاطی

در اوائل دوره اسلامی بنا به دلایل مذهبی مصوری از چندان جذابیت خاصی برخوردار نبود و در تزئین ابنیه دولتی و خصوصی از تصاویر کمتر استفاده می‌شد و ابنیه دینی و مقابر از این هنر خالی بود و به جای آن، انواع خطوط تزئینی و گل کاری و نقوش غیرجاندار به کار برده می‌شد و به دلیل حسن توجه علماء دین، امراء و سلاطین بدین هنر و خریداری نمودن کتب خطی و

نمونه‌هایی از خطوط خوشنویسان و همچنین عامل دینی و اخلاقی، محرک ایجاد و پرورش و رواج انواع خطوط تزئینی در هنر اسلامی گردید طوری که این هنر در قالب عقیده دینی ریخته شد و هزاران نسخه خطی مزین و منقش و مذهب از قرآن تحریر شد و یا بر ابنیه انواع خطوط تزئینی باقی گذاشته شد و همین نظر دینی مؤید پیدایش خطوط و خطاطان بسیار ماهر چیره دست خلاقی گردید.

سیر تحول و پیدایش خطوط از خط کوفی آغاز شد و در قرون بعدی خط نسخ پدیدار گشت. از تہذیب و هنری گردیدن خط کوفی و نسخ بود که ثلث با فروع خود محقق و ریحان و رقاع به وجود آمد و برای نوشته‌های دفاتر و مناشیر از امتزاج خط نسخ و فروع ثلث، خطی به نام توقیع یا مناشیر به وجود آمد. که نوشتن آن سهل و زود و بدون تکلفات هنری و بدیعی بود. از امتزاج خط نسخ و رقاع، توقیع، قلم جدیدی به نام تعلیق پدید آمد و چون این خط در مراسلات استعمال می‌گردید به آن ترسل هم می‌گفتند. از تلفیق هنری نسخ و تعلیق خط بسیار زیبای نستعلیق به وجود آمد و در امتزاج و در هم شکستن خط تعلیق و نستعلیق، شکسته نستعلیق پدید آمد که برخی از شکسته‌نویسان چون شیوه خاصی داشتند آن را شکسته آمیز و منصوب به شفیعی‌ای هروی یا خط شفیعه هم گفته‌اند. خط دیگری به نام «شیوه ترکستانی» وجود داشت که خطوطی از ثلث و ریحان و محقق است که نمونه آن قرآن با ترجمه جغتایی به خط محمدبن شیخ یوسف اباری سید الخطاط ۷۳۷ هـ ق واقع در گنجینه قرآن مشهد رضوی موجود می‌باشد. (حیبی، ۲۵۳۵، ۹۹-۴۹۰)

اسلوب دیگری به نام کوفی شطرنجی تلفیقی از خط ثلث با انتزاعی‌ترین نوع خط کوفی پدید آمد. این نوع خط کوفی که احتمالاً به علت کاربرد آجر در کتیبه‌ها نسبتاً زود گسترش یافت که در تزئین دیوارهای مساجد با نام‌های «الله، محمد (ص)، علی (ع)» و عبارات مذهبی مربوط به کار گرفته شد.

شاخه دیگر خوشنویسی که در خور اشاره است، تلفیق خط نسخ با خط کوفی توأم با آرایش حروف یا سر انسان یا حیوان است. قدیم‌ترین نمونه‌های آن به قرون وسطی اسلامی بر می‌گردد و بسط و گسترش آن توسط هنرمندان در خراسان و موصل صورت گرفت و نمونه‌های اصیل این گونه خوشنویسی منحصراً به آثار فلزی تعلق دارد و تلفیقی از خوشنویسی و نگارگری را نشان می‌دهد. خوشنویسان و هنرمندان قرن دهم هجری قمری پا از این هم فراتر گذاشتند و با متصل

کردن استادانه حروف عبارات و اسماء مقدس مثل «علی (ع)، حسن (ع)، حسین (ع)» صور حیوانی و انسانی ابداع کردند که در این جا تأثیر فرقه حروفیه آشکار است.

فضل الله استرآبادی برجسته‌ترین رهبرشان سال‌ها به تفسیر عرفانی حروف عربی پرداخته بود و نظام راز آمیز کاملی پدید آورد که در آن هر مخلوقی به زبان عرفان حروف تبیین می‌شد. (اتینگهاوزن، ۱۳۷۹، ۲۱۵-۲۱۶)

همان‌طور که گفته شد پیدایش خط از خط کوفی آغاز گردید که به خط قرآنی معروف است. سنت اسلامی ابداع این سبک را منصوب به حضرت علی ابن ابیطالب (ع) که پایگاه سیاسی‌اش در کوفه بود منصوب می‌کند. در قرون اولیه اسلامی هنرمندان به تزئین مساجد و اماکن مقدس با کتیبه‌هایی که در آنها خط کوفی بود تزئین می‌کردند و همچنین به تزئین اشیای مورد استفاده روزمره می‌پرداختند. نخستین نمونه‌های تکامل خط کوفی را می‌توان از کاسه‌هایی که در قرن سوم و چهارم هجری قمری در نیشابور و سمرقند ساخته می‌شدند مشاهده کرد. حروف کوفی بدان گونه که بر روی پوست تحول یافته بود، با ظرافتی بی‌مانند روی لعاب سفید یا ندرتاً رنگی بر روی این کاسه‌ها نقش می‌زدند و همان حروف را با کشیدگی و پیچیدگی در کتیبه‌های معماری قرن سوم و چهارم می‌توان مشاهده کرد. در خلال سده‌های چهارم و پنجم خط کوفی با شکل‌های گوناگون گسترش می‌یابد، چنانچه ابن الندیم در الفهرست (اواخر سده چهارم) قریب به دوازده نوع خط را برمی‌شمارد.

ابن مقله وزیر آل عباسیان را واضع اقلام سته، یعنی شش شیوه اساسی خط نویسی می‌دانند که عبارت بود از ثلث، نسخ، اقلام نوک تیز ریحانی، محقق، رقاع، توقیع که همان‌طور گفته شد بیشتر کاربرد دیوانی داشت بعد از آن از یاقوت مستعصمی در سال ۶۹۸ هـ ق باید نام برد که روش جدیدی در تراشیدن قلم و قطع نوک قلم پدید آورد که به حروف بیشترین زیبایی و ظرافت را می‌بخشید و به خط یاقوت معروف شد. آوازه وی چنان زبانزد شده بود که بالاترین ستایشی که مورخان از استادی هنر خوشنویسی شاهزاده ابراهیم بن شاهرخ کردند این بود که خط وی را به قدری کامل می‌دانستند که نمونه کارش را همچون نوشته‌های یاقوت در بازار می‌فروختند. (همان، ۱۹۴-۱۹۷-۱۹۸-۲۰۰) کلیه خطوط دیگر در دوره رنسانس هنری تیموریان دوره تکامل و ترقی را پی نمود. اگرچه پیشینه آغازین خط تعلیق به قرن پنجم هجری قمری از قرآنی که سال ۴۱۵ هـ ق

موجود است می‌رسد و از این سند حدس باید زد که مبادی خط تعلیق قدیمی‌تر است ولی شیوه تعلیق را سلطانعلی مشهدی ملقب به سلطان الخطاطین و میرعلی هروی به حد کمال رسانیدند.

بدین صورت در قرن ۸ و ۹ هـ ق تعلیق راه خود را به رواج عمومی و هنری شدن تزئین گشود، که نمونه‌های آن را در خطوط بسیار استادانه زیبای تعلیق نویسان این دوره از جمله: خواجه تاج‌الدین و خواجه اختیار هروی منشی سلطان حسین بایقرا و عبدالرحی منشی سلطان ابوسعید میرزا و خواجه عبدالله مروارید هروی می‌توان دید. در خصوص پیشینه آغازین خط نستعلیق باید گفت اگر چه واضع خط نستعلیق را میرعلی تبریزی می‌دانند ولی پیش از وی مراتب آغاز و پختگی را طی کرده است. نسخه خطی کتاب عجائب المخلوقات فارسی یک نمونه نستعلیق نویسی را در اواخر قرن هشتم هجری قمری نشان می‌دهد، (حیبی، ۲۵۳۵، ۱۰۱) که در حال حاضر در کتابخانه ملی فرانسه موجود است. بدین سان می‌توان گفت این خط قبل از میرعلی تبریزی نوشته شده ولی این خطاط مشهور قواعد خاص و منظمی در خط نستعلیق وضع نمود. این خط که زیباترین خطوط در دوره تیموری بوده رواج کامل یافت و برای تزئین ابنیه و کتب استفاده می‌گردید و در دربار، شاگردان میرعلی بعد از پسر هنرمندش عبدالله پرورش یافتند که از آن جمله: مولانا جعفر و پسرش جلال و مولانا اظهر و پسرش محمد و سلطان علی بن محمد مشهدی و میرعلی هروی و محمد اوبهی و سلطان محمد خندان و سلطان محمد نور و دیگر مشاهیر نستعلیق نویسان برآمدند.

در این عصر عموماً کتب را به نستعلیق می‌نوشتند و نستعلیق نویسان هرات آثار گرانمایه و شاهکارهای خطی به وجود آوردند که از آن جمله جعفر بایسنقری نسخه نفیس مصور شاهنامه بایسنقری را در سال ۸۳۳ هـ ق نوشت که در کاخ موزه گلستان موجود است همچنین سه ورق مجموعه خطوط نستعلیق و ریحان و نسخ و ثلث و رقاع و شکسته به امضای وی واقع در موزه ملی تهران است و هشت نمونه دیگر خط او بر کتب و دواوین شعرا در موزه‌های دنیا موجود است. در خصوص خط شکسته نستعلیق نیز دوره تیموری با اسلوب هنری و فنی بر این خط به رشد و تکامل آن کمک نمود، و ما می‌بینیم که در این دوره علاوه بر اقلام سته یک قلم دیگر از امتزاج قلم تعلیق و نستعلیق به وجود آمد که مستقلاً به هنرنمایی پرداخت. از این خط اثری از جعفر بایسنقری در موزه ملی تهران است که پختگی این شیوه را در عصر سلطان شاهرخ میرزا می‌رساند. بعد از وی میرزا فصیحی هروی، شفیعی هروی، مرتضی قلی شاملو هروی، درویش

عبدالمجید طالقانی و غیره از هنرمندان این قلم هستند. این خط برای کتاب و کتابه نویسی کمتر استفاده می‌شود و رواج آن تا کنون برای مراسلات دفتری بوده. از جمله آثار دیگر این دوره با خط‌های باقی گذاشته بخش بیرونی گنبد گورامیر تیمور در سمرقند و مدرسه شاهزاده الغ بیگ می‌باشد که با خط کوفی و شصت ورق قرآن از شیخ محمد طغرانی در سال ۸۵۹ هـ ق باقی مانده است، شانزده ورق قرآن به خط ریحان و رقاع از شاهزاده ابراهیم در سال ۸۲۷ هـ ق و قرآنی به خط خواجه عبدالله مروارید در سال ۹۲۳ هـ ق و قرآنی به خط نسخ و ثلث و رقاع از عبدالله طباطبائی در سال ۸۴۵ هـ ق در گنجینه قرآنی در شهر مشهد موجود می‌باشد. (همان، ۹۴-۱۰۱)

خوشنویسان عصر تیموری

وضعیت هنر خوشنویسی و خوشنویسان از دیگر هنرمندان در انجام کار و آثار باقی مانده از آنها بسیار مناسب بود. نقاشان به دلیل تعصب رجال دین و عدم رضایت توده مردم در پدید آوردن اثر خویش نام خود را مخفی نگه می‌داشتند و مانند خطاط نام خود را زیرخطی که می‌نوشت قید نمی‌کردند و همچنین به واسطه ذوق و قریحه خوشنویسی بعضی از رجال تیموری از جمله ابراهیم سلطان و بایسنقر و حمایت آنها از این هنر، خوشنویسان از قرب و منزلت عظیمی برخوردار شدند و مردم نیز با اشتیاق خط‌های ادعیه و اشعار یا پند و موعظه‌ها را که خطاطان می‌نوشتند با قیمت‌های گزافی می‌خریدند.

مولانا جعفر بن علی تبریزی بایسنقری

از معروف‌ترین خوشنویسان نستعلیق دوره تیموری می‌باشد. وی تبریزی بوده و در دوره شاهرخ به هرات مهاجرت نمود و در دربار سلطان شاهرخ راه یافت و مورد توجه و حمایت، تشویق وی و پسرش بایسنقر قرار گرفت به دلیل رابطه بسیار نزدیک این شاهزاده با جعفر تبریزی وی به لقب بایسنقری مشهور شد و در کتابخانه سلطنتی بایسنقر سمت ریاست و سرپرستی را دریافت نمود که تمامی هنرمندان از مصور، مذهب، مجلد، خوشنویس، غیره... زیر نظر وی به فعالیت هنری مشغول بودند از جمله هنرمندانی که در بخش کتاب سازی، کتاب آرای کتابخانه مشهور بایسنقر حضور داشتند شامل:

- ۱- حافظ علی هروی
- ۲- شمس الدین محمد کاشی متخلص به نوایی
- ۳- محمد بن سلطان محمد استرآبادی
- ۴- میرصعی نیشابوری
- ۵- شوقی یزدی
- ۶- حافظ باباجان تربتی
- ۷- فیضی برادر حافظ باباجان
- ۸- شهابی
- ۹- عبدالله قزوینی
- ۱۰- آیتی تبریزی
- ۱۱- نازکی مکتب دار
- ۱۲- ابراهیم شعار تبریزی
- ۱۳- ابراهیم تبریزی
- ۱۴- اسماعیل نجاتی
- ۱۵- دوست محمد کوشوانی
- ۱۶- محب علی نایی هروی
- ۱۷- خواجه محمود استرآبادی
- ۱۸- ملاجان کاشی
- ۱۹- شیرعلی
- ۲۰- محمد کاتبی ترشیزی
- ۲۱- سیمی نیشابوری
- ۲۲- امیرشاهی سبزواری
- ۲۳- سیدجلال بن عضد
- ۲۴- خواجه محمود سبزواری
- ۲۵- یحیی سبیک نیشابوری
- ۲۶- سیف الدین نقاش
- ۲۷- احمد رومی
- ۲۸- خواجه غیاث الدین
- ۲۹- قوام الدین مجلد
- ۳۰- امیر خلیل نقاش
- ۳۱- مولانا علی مصور
- ۳۲- میرزا خلیل
- ۳۳- جعفر بایسنقری

جعفر تبریزی علاوه بر نستعلیق در تمام خطوط متداول عصر خود دستی توانا داشت و در عموم اقلام دیگر، از ثلث و نسخ، رفاع، ریحان، توقیع، شکسته تعلیق به حد کمال خوش می‌نوشت. وی شاگردانی تربیت کرد که در هر کدام از خطوط استادان نامدار عصر خود شدند در خط نستعلیق اظهر تبریزی، شیخ محمود زرین قلم خفی نویس، در خط تعلیق، عبدالحی استرآبادی، عبدالله طباح در خطوط اصول. از جمله آثار وی شامل: نسخه شاهنامه مشهور فردوسی که به دستور بایسنقر کتابت شد، نسخه دیوان اشعار حسن دهلوی، یک نسخه دیوان حافظ، یک نسخه گلستان سعدی، یک نسخه مثنوی خسرو و شیرین به ترتیب در کاخ موزه گلستان، کتابخانه

مجلس، موزه توپ قاپوسرا، مجموعه چستریتی انگلستان، کتابخانه انستیتوی زبان‌های خاوری در
لنینگراد محفوظ می‌باشند. (بیانی، ۱۳۶۴، ۱، ۱۵۴ تا ۱۵۷)

زین العابدین بن محمد الکاتب الشیرازی

وی قرآن ۳۰ جلدی نفیسی برای یکی از اعضاء خاندان سلطنتی ترکمن آق قویونلوها کتابت
کرده که به احتمال قوی برای پسر اوزون حسن، یعقوب بیگ در سال ۸۸۸ هـ ق می‌باشد. (همان،
۱۵)

کرم شاه تبریزی

نسخه قرآنی از وی باقی مانده البته تنها ۵ سوره از قرآن را شامل می‌شود این نسخه یکی از
شاهکارهای خوشنویسی است که در صحافی با قطعه‌های بزرگ کتابت شده و از لحاظ ظرافت با
آثار ابراهیم سلطان برابری می‌کند. (همان، ۱۵)

احمد حافظ شیرازی نظام الدین

خوشنویس قرن ۹ هـ ق است و از خطوط او یک نسخه قرآن به قطعه سلطانی کوچک به خط
نسخ است که دو سطر ثلث و یک سطر ریحان در هر صفحه دارد با رقم «کتابه نظام الدین احمد
الحافظ الشیرازی» در قرن نهم که برای فروش عرضه شده است. (سرمدی، ۱۳۸۰، ۵۸)

احمد حافظ فارسی کاتب اردستانی

کاتب و خوشنویسی است و از آثار خطی او مجموعه ایست در کتابخانه بنیاد خاورشناسی
شهر لنینگراد به تاریخ ۸۶۷ هـ ق مجموعه‌ای آراسته با جدول بندی و زرین و رنگین که شامل: ۱-
دیوان سلمان ساوجی ۲- دیوان کمال خجندی ۳- دیوان خسرو ۴- دیوان حافظ ۵- پراکنده‌ها ۶-
مجمع البحرين کاتبی ۷- دیوان شاهی ۸- دیوان سراج الدین بساطی سمرقندی (همان، ۵۸)

احمد کاتب فخرالدین

وی از کاتبان قرن نهم هـ ق است و از آثار او کلیات کمال خجندی در موزه آثار اسلامی ترکیه در استانبول است که تاریخ ۸۶۵ هـ ق را دارد بعضی ترجیعات از مجموعه ترجیع بندهای کتابخانه مجلس شورا به خط اوست و یک رقعہ از مرقعہ در کتابخانه اوقاف استانبول بود که به دارالاسلم بغداد تقدیم کرده است. (همان، ۶۲)

احمد محسنی

از خوشنویسان قرن ۸ هـ ق است و به خط او یک نسخه قرآنی رحلی جلد معرق طلاپوش در موزه ملی ایران باستان موجود است که برای کتابخانه اسماعیل صفوی تخصیص گردیده این قرآن به خط نسخ در سال ۷۳۹ هـ ق نوشته شده و احمد بن المحسنی رقم دارد. (همان، ۶۴)

معین الدین محمد اسفزاری

وی مؤلف تاریخ هرات می باشد و در تعلیق نویسی مهارت خاصی داشت. (بیانی، ۱۳۶۴، ۳/۶۳۵)

محمد امام هروی

وی یکی از زبردست ترین کاتبان دوره خود بوده چون در دربار سلطان یعقوب و رستم آق قویونلوها به کتابت مشغول بوده به یعقوبی و رستمی رقم می کرده. از آثار وی نسخه هفت اورنگ جامی و یک نسخه دیوان جامی واقع در کتابخانه استانبول می باشد. (همان، ۳/۶۴۳)

محمد تبریزی

امیربدرالدین محمد تبریزی از خوشنویسان دربار تیمور گورکان و در اقلام شش گانه و نستعلیق مهارت کامل داشت همچنین وی شاگرد میرعلی تبریزی است.

محمد حسین زره بی

وی از اولاد میرصانعی باخزری، جزء وزراء سلطان حسین بایقرا می‌باشد وی از تعالیم شاه محمود نیشابوری و سلطان محمد خندان بهره برده است.

محمد سیمی نیشابوری

وی در معماری و رنگ آمیزی و مرکب سازی، افشان گری، تذهیب، رنگ کاری کاغذ و دیگر هنرهای ترسل تألیفاتی داشت وی سرعت عجیبی در کتابت داشته و روایت شده که در دربار سلطان علاء الدوله فرزند بایسنقر در یک شبانه روز دو یا سه هزار بیت کتابت کرد. از جمله شاگردان وی عبدالحی منشی استرآبادی می‌باشد. (بیانی، مهدی، ۴ / ۹۵۰-۹۶۷)

محمد کاتبی ترشیزی

وی شاگرد سیمی نیشابوری بود و در کتابخانه بایسنقر فعالیت می‌نمود و از جمله چهل تن هنرمندان مقرب دربار بایسنقر به حساب می‌آمد.

محمد محسن مصور

از کاتبان دربار حسین بایقرا است از جمله آثار او یک نسخه دیوان حافظ در موزه کابل محفوظ است.

خواجه محمود استرآبادی

از کاتبان کتابخانه بایسنقر می‌باشد.

معروف بغدادی

وی از کاتبان دربار سلاطین آل جلایر و سلطان اسکندر در اصفهان بود. (همان، ۴ / ۹۵۰-۹۶۷)

شمس الدین محمدبن حسام هروی

وی از اساتید خوشنویسان دربار بایسنقر بشمار می‌آمد و به همین جهت در رقم‌ها خود را «بایسنقری» و گاهی «سلطانی» (بیانی، ۳۱۹) منصوب داشته. متون آن دوره وی را به عنوان استاد خط ثلث معرفی کردند و روایت شده که به اقلام سته (محقق، ریحان، ثلث، نسخ، توقیع، رقاع) مسلط بوده.

شیخ زاده پورانی

از خوشنویسان دربار بایسنقر بوده

شیرعلی

از کاتبان کتابخانه بایسنقر به حساب می‌آمد.

خواجه شهاب الدین عبدالله مروارید

وی متخلص به بیانی است فرزند شمس الدین محمد کرمانی از اشراف کرمان و از وزراء دربار تیموریان می‌باشد. وی در جوانی به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و نزد وی منزلت خاصی پیدا نمود تا جایی که به سمت صدارت رسید و به جای امیرعلی شیرنوائی مهر بر فرمان‌ها و منشورها می‌زد. خواجه عبدالله به اکثر علوم و فنون عصر خود آشنا بود و در نظم و نثر دست قوی داشت وی به واسطه خط خوشی که داشت در کتابخانه الغ بیگ میرزا برادر بایسنقر در کنار خوشنویس شهیر زمان اظهر تبریزی، مشغول به فعالیت شد.

از آثار وی: منشآت و دیوان اشعار با عنوان «مونس الاحباب» و «تاریخ شاهی» و «مثنوی خسرو و شیرین» است.

عبدالله قزوینی

جزء کاتبان خوشنویسی دربار بایسنقر بود.

شیخ عبدالله هروی

وی از کاتبان دربار حسین بایقرا بود و در نسخ و تعلیق مهارت بالایی داشت.

عبدالله هروی طباخ

وی شاگرد مولانا جعفر تبریزی بایسنقری و رقیب شمس الدین بایسنقری بود. علت وجه تسمیه طباخ به واسطه شغل آشپزی پدرش بود. صاحب گلستان هنر و مناقب هنروران و حبیب السیر وی را استاد در اقسام سته می‌دانند خصوصاً در نسخ.

میرعلی تبریزی

وی فرزند حسن تبریزی از مشاهیر دوره تیمور و شاهرخ می‌باشد وی از ترکیب خط نسخ + تعلیق خط جدید نستعلیق را وضع کرد از آثار وی دو رقععه از یک مرقع که سوره فاتحه را به قلم دو دانگ نوشته که در کتابخانه استانبول نگهداری می‌شود.

میرعلی هروی

وی از سادات شهر هرات بود که به واسطه اقامت طولانی در مشهد او را مشهدی می‌خواندند. او به دربار سلطان حسین بایقرا راه یافت و از مقربان دربار وی شد و عنوان «سلطانی» کاتب سلطانی» به خود داد. وی شاگرد سلطان علی مشهدی بود و در خط نستعلیق دستی توانا داشت. میرعلی رقم‌های مختلفی دارد از جمله «علی، فقیرعلی، میرعلی، علی کاتب، علی سلطانی، علی حسینی، میرعلی کاتب، میرعلی سلطانی، علی هروی، علی حسین هروی، فقیر میرعلی، فقیر علی کاتب، علی کاتب سلطانی».

از آثار وی: هفت اورنگ جامی، جام جم اوحدی، تیمورنامه هاتفی، مناجات حضرت امیر، ترجمه چهل حدیث، مناجات خواجه عبدالله انصاری، ترجیح بندی از جامی، گلستان سعدی، بوستان سعدی است و در کتابخانه‌های تهران موجود است. (بیانی، ۱۳۲/۵)

اظهر تبریزی

وی یکی از معروف‌ترین خوشنویسان قرن نهم و شاگرد میرعلی تبریزی و میرزا جعفر بایسنقری می‌باشد. وی در تبریز زندگی کرد و در دوره حکمرانی شاهرخ به هرات آمده و به دربار راه یافت و در نگارستان هرات میرزا بایسنقر مشغول به کتابت شد. وی را در خط نستعلیق بعد از میرعلی و میرزا جعفر تبریزی سومین استاد در این فن می‌دانند.

از آثار وی واقع در کتابخانه ملی تهران یک نسخه کامل «شش دفتر مثنوی» مولانا جلال الدین بلخی می‌باشد و دیگر آثار: یک نسخه «مقطعات ابن یمین» در موزه استانبول، یک نسخه «خمسه نظامی و امیر خسرو دهلوی» در کتابخانه لاهور، یک نسخه «خسرو و شیرین» در کتابخانه منچستر، یک نسخه «هفت پیکر نظامی» در موزه متروپولیتن نیویورک، یک نسخه «بوستان سعدی» در موزه کابل محفوظ است (بیانی، ۱/ ۷۳) ولی در مجموع بیشتر آثار او در موزه استانبول موجود می‌باشد.

حافظ باباجان

در تذکره‌ها نام وی را نیز جزء خوشنویسان قرن نهم آورده‌اند.

بایسنقر میرزا

یکی از شاهزادگان تیموری است وی فرزند محمود پسر سلطان ابوسعید می‌باشد. در ذکر احوال وی روایت شده همه اقلام خطوط به غیر از نستعلیق خوش می‌نوشته.

بدیع الزمان

وی نیز از شاهزادگان تیموری فرزند سلطان حسین بايقرا می‌باشد.

حسین بن علی تونی

از کاتبان گمنام قرن نهم می‌باشد.

حسین کلو

از خوشنویسان قرن نهم است از جمله آثار وی یک نسخه از جام جم اوحدی در موزه توپ قاپوسرای استانبول موجود است.

حمدالله بن مرشد

از کاتبان گمنام آن دوره است و به خط وی یک نسخه ظفرنامه شرف الدین علی یزدی در موزه توپ قاپوسرای موجود است.

دوست محمد کوشوانی هروی

وی اهل کوشوان یکی از روستاهای هرات می‌باشد و از هنرمندان مخصوص کتابخانه بایسنقر بود و بعدها به دربار صفویان راه یافت و از مقریان سلطان طهماسب صفوی شد.

سلطان علی شیر مشهدی

مولانا علی شیر مشهدی از مشاهیر خطاطان دربار سلطان حسین بایقرا می‌باشد.

سلطان علی مشهدی

وی نیز از مشاهیر خطاطان دوره سلطان ابوسعید و سلطان حسین بایقرا و از هنرمندان مقرب کتابخانه سلطنتی بود و بدین دلیل عنوان کاتب سلطانی به وی داده شد. وی از شاگردان اظهر استرآبادی می‌باشد و از آثار وی یک نسخه از کتاب (تحفه الاحرار) واقع در کتابخانه ملی و یک نسخه از مناجات خواجه عبدالله انصاری در کتابخانه سرکاری رامپو هند موجود می‌باشد. (همان، ۱/ ۲۴۲-۲۵۰)

محمد صالح اصفهانی

هنر تذهیب

تذهیب در لغت به معنی زراندود کردن و طلا کاری است. در نگارگری ایران به نقش‌های منظمی گفته می‌شود که با خط‌های مشکی و آب طلا کشیده و تزئین شده باشند و رنگ دیگری در

آن به کار نرفته باشد. ممکن است طلایی که در تذهیب بکار می‌رود دارای رنگ‌های گوناگون باشد. طوری که وقتی طلایی خالص را با مقداری نقره و مس به کار ببرند رنگ آن زرد و سبز و سرخ به نظر می‌رسد. اگر رنگ‌هایی غیر از ترکیبات طلا در این نقش‌ها به کار برود هنری غیر از تذهیب که ترصیع نام دارد پدید می‌آید. (الماسی، ۱۳۸۰، ۲۰-۲۱) آرایش دادن و تزئین صفحه‌های مذهب کاری شده در وهله اول مخلوطی از رسوم ساسانی و بیزانس و قبطی بود و قسمتی از آنها نیز از کتاب یهود و مسیحیان کلیسای شرقی اقتباس می‌شد. (زکی، ۱۳۷۷، ۱۲۳-۱۲۴) راجع به قدیمی‌ترین کتب خطی تذهیب شده متعلق به دوره سلجوقی باید گفت که بیشترشان روی کاغذ و با خط نسخ نوشته شده‌اند و شکل آن متصل یعنی طولشان از عرضشان بیشتر است و غالباً رسوم و اشکالی که در این نسخه‌ها به کار رفته عبارت از: ستاره‌های شش پر یا هشت پر و بادزن‌های نخلی و شاخه‌های مستطیل نباتی. در این دوره تزئین و تذهیب یک طریقه ابتکاری بود که تا دوره‌های بعد نیز معمول و متداول شد و یکی از ابتکارات در آن دوره بدین صورت بود که در وهله اول سطرهای نوشته شده را خط کشی می‌کرده و بعد صفحه را از خارج این خط‌های نازک با اشکال و رسوم نباتی زینت داده و داخل خط‌ها را همان موضوع کتابت شده کتاب پر می‌کردند. در دوره تیموریان مذهب کاران رنگ‌های طلایی و آبی و قرمز و سبز و پرتقالی را استفاده می‌کردند و رنگ سورمه‌ای را مرکز کار قرار می‌دادند. (همان، ۷۶)

همچنین توجه زیادی به کشیدن اشکال نباتات و گل‌ها و مناظر طبیعی می‌شد و حواشی کتاب‌ها با آنها تزئین می‌یافت. استفاده از تذهیب در تزئینات به سایر آثار فنی و صنعتی سرایت کرد و رابطه بسیار تنگاتنگ میان اشکال و رسوم که در کتاب‌ها به کار می‌رفت با اشکال و رسوم در سایر فنون و صنایع از جمله سفال، قالی، فلزکاری، تجلید و غیره... وجود داشت.

مذهب در عصر تیموری از ارزش خاصی برخوردار شد. در یکی از صفحات نسخه خطی شاهنامه بایسنقری چهره خطاط، تذهیب‌گر و نقاش که در تولید آن همکاری کرده‌اند و چهره سلطان بایسنقر که این کتاب خطی به او تقدیم شده است در آن آمده است و این گواه اعتراف به برتری تذهیب‌گر در تألیف کتاب خطی است و این که در این زمینه با همکاران خطاط مقامی یکسان داشته است.

تذهیب معرق و قطعی از هنرهای مروج کتاب سازی عهد تیموریان است که به وسیله آن خطوط و نقوش را از کاغذی بریده بر اوراق یا قطعات دیگر می‌چسبانند و این هنرها را با

ابزارهای خاص، با دقت و هنرمندی انجام می‌دادند. بدین صورت که یک قطعه کاغذی را به دو نیم می‌بریدند و خط یا نقشی در می‌آوردند و در جای دیگر به کار می‌بردند. مذهبان حواشی و صفحات اول و آخر و سرفصل‌ها و عناوین کتب و سرآغاز سوره‌های قرآنی را با ستارگان و رسوم هندسی و گل و بوته و شاخه و برگ‌ها و انواع ترنج‌ها و اشکال لوزی و بادامی و گاهی با اشکال انسان و پرندگان و آهو و مرغابی و غیره تزئین، تذهیب و رنگین می‌کردند و نام خود را با عنوان مذهب می‌نوشتند. در تذهیب مواد قیمتی از قبیل طلا و نقره و لاجورد و کاغذ عالی و الوان رنگارنگ استفاده می‌کردند.

در تزئین کتب الویت برای خطاط و بعد مذهب و نگارگر بود. بدین صورت که اول خوشنویس ضمن کتابت خود مقداری از فضای صفحه را که برای کشیدن نقاشی و یا مذهب کاری و سایر تزئینات دیگر لازم بود خالی می‌گذاشت. این ترتیب کار را از کتب خطی به جا مانده که عاری از هر تزئینی بود یافتیم.

مذهبان عصر تیموری

محمد علی راوند، امیرخلیل، میرک نقاش، محمود مذهب و مولانا حاج محمد نقاش وی علاوه بر مذهب کاری خوشنویس و نقاش نیز بود. (همان، ۷۶)

محمود مذهب

محمد سیمی نیشابوری

وی در معماری و رنگ آمیزی، مرکب سازی، افشان گری، تذهیب، وصالی و رنگ کاری کاغذ سر رشته داشته. (بیانی، ۳ / ۷۴۹)

یار هروی مذهب

وی یکی از مذهبان دوره حسین بایقرا می‌باشد وی بسیاری از قطعات خطوط سلطان علی مشهدی، سلطان محمدنور و سلطان محمد خندان را به قلم زر یا سفید آب تزیین نموده و غالب آنها در کتابخانه استانبول محفوظ است. (همان، ۴ / ۹۶۷)

نصرالسلطانی

از مذهبیان دوره حکمرانی سلطان ابراهیم در شیراز است. (رابینسون، ۱۳۸۰، ۲۷)

سلطانعلی باوردی

یکی از مذهبیان دوره حکمرانی سلطان الغ بیگ و مذهب خمسه نظامی واقع در کتابخانه توپ قاپوسرای است که بنا به مقدمه آن در زمان سلطنت الغ بیگ در سال ۸۵۱ هـ ق استنساخ شده و تذهیب‌ها و نگاره‌های آن را وی انجام نموده است. (همان، ۴۵)

هنر تجلید

گمان می‌رود که جلدهای نسخه‌های خطی در ایران تا قرن ۸ هـ ق به شیوه مصری اسلامی ساخته می‌شد و معروف است که صنعت جلدسازی پیش از فتح اسلامی در میان قبطیان مصر رونق داشت، سپس در قرون اولیه پس از هجرت به دست مسلمانان اندکی دچار دگرگونی شد. اما از قرن ۷ هـ ق شکل و ظاهری اسلامی به خود گرفت.

شیوه‌های جلدسازی قبطی که مسلمانان آن را به ارث برده بودند توسط نسطوریان به مناطق دیگر خاور نزدیک و میانه رسید. مثلاً مانویان در ترکستان شرقی از آن تقلید و اقتباس کردند، چنان که جلدهای کتابی که فون لوکوک، رئیس هیأت باستان‌شناسی آلمانی که در کاوش آثار باستانی در مناطق آسیای میانه به آنها دست یافت، گواه آنند. این جلدها، جلد کتاب‌های خطی مانوی‌اند که می‌توان آنها را به فاصله قرن‌های ششم و هفتم پس از میلاد نسبت داد و از نظر سبک‌های ساخت و تزیین تفاوت چندانی با جلد کتاب‌های قبطی ندارند. (زکی، ۱۳۷۷، ۱۲۳-۱۲۴) نفوذ شیوه‌های قبطی اسلامی در جلدسازی به همین گونه به ایران گسترش یافت. نخستین جلدها از چوب پوشیده از پوست و آراسته به نقش و نگارهای هندسی بود سپس کاغذ جای چوب و تزیینات متشکل از نقش و نگارها و خطوط در هم آمیخته جای نقش‌های هندسی را گرفت.

به هر حال ایرانیان در جلدسازی از شیوه روی هم قرار دادن یا فشار استفاده می‌کردند، همچنان که روش سوراخ کردن و جلا دادن و پوشیدن آن با پارچه را به کار می‌بردند، احتمالاً پوست را به شیوه خاص می‌بریدند. سپس آن را بر پارچه رنگی می‌چسباندند و سپس از آن خطوط و نقش و نگارها را تذهیب می‌کردند. در بعضی موارد از روشی استفاده می‌کردند که

عبارت از روی هم چسباندن دو لایه پوست بود و موضوع‌های تزئینی مورد نظر را بر لایه رویی می‌بریدند.

صنعت تجلید در دوره تیموریان قرن نهم هجری قمری در مکتب هرات به اوج عظمت خود رسید. در این عصر شاهد تولید فاخرترین نسخه‌های خطی با خط زیبا و نقش و نگارهای تذهیب شده و نقاشی‌های چشم نواز و جلدهای قیمتی است و این از برکت جنبش هنری در ایران و به پاس انجمن‌هایی است که سلاطین و رجال تیموری از جمله: شاهرخ، ابوسعید، حسین بایقرا و شاهزاده اسکندر، ابراهیم و امیر علی شیر نوایی وزیر بایقرا و شاهزاده هنرمند و هنردوست بایسنقر برای هنرهای کتاب پردازی چون کاغذ سازی، صحافی، تجلید، خطاطی، نگارگری پدید آوردند و هنرمندان را از همه سوی کشور در هرات گرد هم آوردند. شاهزاده بایسنقر در هرات یک کارگاه بزرگ تولید نسخ خطی تأسیس کرد که در آن به روایتی ۲۳ نفر (احسانی، ۱/ ۱۳۶۸، ۲۰) هنرمند و به روایتی دیگر ۴۰ نفر (زکی، ۱۲۵-۱۲۷) هنرمند از نقاش، تذهیب کار، خطاط، صحافی کار، خط کشان، جعبه سازان به طور جداگانه‌ای مشغول کار بودند. صنعت جلد سازی محدود به هرات نبود که در این امر پیشکسوت بود، بلکه مراکز دیگری در سمرقند، مرو، مشهد، بلخ، نیشابور، شیراز، تبریز (همان، ۱۲۵-۱۲۷) وجود داشت.

در حقیقت سازندگان جلد کتاب‌ها در ایران در سده نهم هجری با بالاترین درجه موفقیت، سبک‌های هندسی قدیم تزئینی را پشت سر نهادند و شیوه تازه‌ای از آمیزش نقش و نگارهای دورنماهای طبیعی با جانوران و پرندگان واقعی و افسانه‌ای پدید آوردند و از جهت دقت در ترسیم و شیوه ساخت و تناسب‌ها به چیره دستی هنری ویژه‌ای رسیدند.

هنرمندان پس از روی گرداندن از روش فشاری و یا سفتن جلد با ابزارهای ساده‌ای که نقش و نگارهای هندسی و شاخ و برگ‌های گیاهی را آشکار می‌کرد توانستند در تزئینات یاد شده به کمال هنری دست یابند. آنها از قالب‌های فلزی جداگانه‌ای استفاده می‌کردند که با شدت بسیار جلد زیر آن فشار قرار می‌گرفت و در اثر این فشار شکل‌های گیاهی، جانوری و حتی آدمی به صورت برجسته روی جلد پدیدار می‌گردید. در این عصر نقاشان در ترسیم حیوانات یا درختان و گیاهان و افراد، با دقت و ظرافت تمام دستیار جلدسازان بودند.

این جلدهای آراسته، در دقت و نکات فنی و صنعتی یکی از مجهزات فن بود. تنها منظور از ساختن آنها این نبود که به منزله حافظ و نگهدارنده باشد بلکه خود آنها جزیی از اجزای گران

بهای کتاب به شمار می‌رفتند و کتاب و نوشته‌های درونش در محفظه‌ای از دیا و مخمل یا صندوق چوبی حفظ می‌شد. ضرب و نقاشی گل و برگ و اشکال نباتی با ساقه‌های ممتد و متناسب بر روی و پشت جلد از قرن ۸ هـ ق به سوی تکامل رفت، می‌توان گفت در جلدسازی قرن ۱۰ و ۱۱ هـ ق ظرافت عنصر نباتی پدیدار شد که اشکال متکامل آن نمونه صادقی از نباتات طبیعی و حقیقی شمرده می‌شود و شاید این تأثیر فنون و روش‌های چینی بوده است. (حبیبی، ۴۲-۴۳)

جلدهای چرمی

از قرن ششم تا آغاز قرن هشتم هجری قمری کتاب‌ها را در جلدهائی با روکش چرمی که از چرم خام و پخته، میشن و تیماج که آنها را رنگ می‌کردند به صورت ساده به مصرف تجلید می‌رساندند. پس از چندی جلدها را از پوست نازک گوساله که شبرو می‌نامیدند. یا از پوست نازک کره الاغ که چرم ساغری نامیده می‌شد که پوشیده از دانه‌های ظریف بود و پس از رنگ آمیزی در تجلید کتب به کار می‌بردند که بر تیماج و میشن برتری داشت. (احسانی، ۱۳۶۸، ۱/ ۲۰)

جلدهای سوخت و معرق

سوخت کاری را بر روی میشن یا ساغری در تزئین جلدهای نفیسی به خصوص قرآن و سایر نسخ گران‌قدر به کار می‌بردند. وجه تسمیه آن را در شیوه کار این فن ظریف احتمالاً باید شناخت. بدین معنی که در قالب فلزی یا برنجی نقش دار که در اصطلاح نر و ماده می‌نامیدند و قبلاً با حرارت معینی بر روی آتش داغ شده بود چرم را در میان قالب‌ها نهاده تا با فشار ضربات چکش نقوش قالب‌ها بر چرم که در آب نم دار شده بود منتقل شود. در این حال چرم به صورت قهوه سیر یا رنگ سیاه در می‌آمد. به این علت آن را سوخته می‌نامیدند. آن گاه سراسر سطح جلد را که دارای برآمدگی و فرورفتگی شده بود با طلای سیاه و سایر الوان می‌پوشاندند یا تنها فرورفتگی‌ها یا برآمدگی‌ها را با طلای مایع زراندود می‌ساختند. هنر سوخت علاوه بر تجلید کتاب در ساختن تابلو به ویژه تصاویر انسان و مناظر درختان با هنرهای مینیاتور تذهیب، تشعیر مشبک، معرق و قالب کاری توأم بود. معرق کاری در تجلید کتب عبارت از نقوش باریک و ریز قطعات چرم‌ها به

الوان مختلف است که توسط نقش و برکه آلت برش چرم است، چرم‌های الوان مختلف را بریده و بر روی متنی از کاغذ الوان بر سطح درونی جلد‌های سوخت می‌نهادند. (همان، ۱/ ۲۲)

در عصر تیموریان هنر روی چرم و پوست، قدر و منزلتی خاص یافت. هنر سوخت و معرق که در آن دوران به ساختن جلد کتاب‌ها محدود بود در مسیر تکامل قرار گرفته و به مرحله نوینی رسید. جلد‌های بسیار نفیس ساخته شده در این دوران شاهکارهایی هنری هستند که در موزه‌های معتبر جهان نگهداری می‌شوند. هنرمندان مکتب هرات در کار طرح و نقش بیشتر از نقوش حیوانی (واقعی - افسانه‌ای) و مناظر خوش ترکیب الهام گرفته بودند. طرح‌های تذهیب (اسلیمی و خطایی) و نقش گره پز، جایگاه خاص خود را در این نقش آفرینی‌ها داشتند.

از جمله جلد‌های دیگر، جلد‌های ضربی و مقوایی جلادار و براق بودند که در دوره صفویه، زندیه و قاجار جای جلد‌های چرمی و سوخت و معرق را گرفتند.

رواج هنر کتاب سازی و کتاب آرابی در ممالک ترک، هند و مجلدان، صحافان دوره تیموری روش‌های هنری اسلامی ایرانی جلد سازی بر این صنعت در ونیز تأثیر نهاد. مشهور است که اروپائیان در قرون وسطی جلد کتاب‌ها را با نقش و نگارهایی که به وسیله قالب‌های فلزی بر آن ترسیم می‌کردند، می‌آراستند و نقش و نگارهایی که پدید می‌آمد برجسته بود. آنگاه هنرمندان مسلمانی که در ونیز سکونت داشتند شیوه شرقی تزئین نقش‌های چاپ شده را که پر کردن بخش‌های فرو رفته با رنگ‌های طلایی بود، به ونیزی‌ها یاد دادند. بسیاری از جلد سازان ایرانی که در ترکیه کار می‌کردند در قرن‌های نهم و دهم هجری قمری جلد‌های گران‌بهایی پدید آوردند که با آنچه همکارانشان در ایران می‌ساختند تفاوت چندانی نداشت، تردیدی نیست که این جلد‌های ایرانی - ترکی در قرن ۹ هـ ق از دل‌پسندترین جلد‌های کتاب بود. (زکی، ۱۲۷)

از صحافان و جلدسازان قرن هشتم و نهم هجری قمری به ندرت در آثار باقی مانده به نام‌های آنان برخورد می‌نماییم.

از مجلدگران معروف این زمان جلدسازی به نام استاد قوام الدین (همان، ۱۸ پاکباز، ۱۳۸۰، ۷۳) را باید نام برد که در تزئین و مجلدگری کتاب دست توانایی داشته و به دعوت بایسنقر میرزا از تبریز به هرات عزیمت نمود و به ادامه هنر خویش در کتابخانه سلطنتی این شهر پرداخت. ولی سایر مجلد گران این دو قرن را می‌توان از آثار باقی مانده آنان در موزه‌های اروپا و به ویژه در موزه‌ها و کتابخانه‌های استانبول شناخت به طوری که مؤلف هنر در عهد تیموریان در کتاب خود

آورده «سلاطین عثمانی و رجال دربار و وزراء قسطنطنیه و مدارس و مساجد بزرگ این پایتخت خلافت اسلامی کتابخانه‌های عظیمی داشتند و این آثار آواره که از هرات، بخارا، بلخ و سمرقند، قزوین، تبریز، اصفهان، مشهد، شیراز بدان مملکت می‌رسید، خلفای عثمانی و رجال آن دولت با ولع تمام می‌خریدند و در کتابخانه‌های خود حفظ می‌کردند. (حیبی، ۴۴)

از دیگر مجلدان و صحافان، مولانا میرک اصفهانی می‌باشد. وی به جای ضربی یا ضربی مطالای دارای نقوش، با تشعیر برجسته بر بوم مشکی تشعیر می‌ساخت و تشعیر روغنی کار میرک، دارای گل و بوته و باغ و صحرا و اشکال سیمرخ و ازدها و پرندگان زیبا بود که آن را شیوه «میرکی» می‌خواندند و مجلد دیگر درویش محمدبن امیر شیخ محمد رامکی غزنوی است و مؤلف کتاب «انسابی محمودی» می‌باشد. (همان، ۴۴)

تجلیدات بجا مانده

یکی از نمونه‌های بسیار بدیع و عالی از تجلیدات این دوره که در حال حاضر موجود است. جلد یک نسخه از مثنوی جلال‌الدین رومی است که در سال ۸۶۲ هـ ق برای سلطان حسین بایقرا در هرات تهیه شده است. روی این جلد یک زمینه مستطیل شکل دارد که با ترنجی در وسط و دو سر ترنج بالا و پایین و نیز چهار لچکی در چهار گوش تزئین شده و تمامی سطح آن نیز با طرح‌هایی از اسلیمی‌های گل و گیاه و شاخ و برگی مزین است.

بر زمینه سیاه روی جلد این نسخه از مثنوی، ترنج وسط، سرترنج‌ها، لچک‌های چهارگوشه به اضافه قاب مستطیلی، همه مثبت کاری و طلاکوبی شده‌اند. (بلر، ۱۳۸۱، ۷۳-۷۷) همچنین جلد‌های قرآن کریم چنان با جلال و شکوه از هنرهای تذهیب عالی و نقوش ظریف گل و برگ الهام گرفته که نمونه‌های خیره‌کننده آنها حاکی از عشق سرشار و ایثارگری هنرمندان این عصر می‌باشد.

همچنین نقاشان و مذهبان ایرانی در تجلید شاهنامه و سایر نسخ خطی مانند کلیات سعدی، غزلیات حافظ، دیوان جامی، مثنوی مولانا و سایر کتب، فن لاک کاری و روغنی را به مرتبه شکوه خود رسانیدند.

کتب دوره تیموری که در موزه‌های استانبول موجود است آن قدر زیبا و نفیس می‌باشد که به قول پوپ ایران شناس شهیر آمریکایی دیدن کتب تذهیب و نقاشی شده با جلدی نفیس اثر هنری است که هر صاحب ذوق می‌تواند ساعت‌ها مجذوب آن شده و خود را به آن مشغول دارد و مجذوبیت آنها تا جایی است که زکی محمد حسن می‌گوید «انسان وقتی کتابی از کتب خطی ایران

را به دست بگیرد نمی‌داند چه قسمت آن را بیشتر مورد دقت قرار دهد، آیا از وقتی که در تزئینات زیبا و تذهیب کاری آن به کار رفته در شگفت باشد، و یا از جاذبه سحرانگیز نقش‌های آن لذت برد، و یا به رنگ‌آمیزی و رنگ‌های بدیع آن نظر کند و یا تماشای زیبایی و شیوایی خط آن نماید، و یا از همه آنها صرف نظر کرده زیبایی جلد و نقش و نگار آن را ملاحظه نماید.» (زکی، ۶۴)

صنعت کاغذسازی

صنعت کاغذسازی از صنعت گران چینی در زمانی که اعراب سمرقند را فتح کردند در سال ۱۳۴ هـ ق فرا گرفته شده عده زیادی از کتب خطی که در موزه‌ها و کتابخانه‌ها محفوظ است راجع به قرن سوم هجری می‌باشد که از جمله کتاب‌های نفیس این صنعت است. هر چند مراکز صنعت کاغذسازی در قرن ۳ هـ ق در عهد آل بویه در دمشق، طرابلس بود ولی کاغذ خراسان و سمرقند از بهترین کیفیت برخوردار بود. در قرن نهم هجری که خط تا حد بالایی ترقی نمود ساختن کاغذ و خصوصاً کاغذهای قیمتی نیز ترقی کرد و به حدی که توانستند اقسام کاغذهای عالی از ابریشم و کتان بسازند و در نازک کردن و براق و رنگین نمودن آن توجه خاصی کرده‌اند و آن را برای نوشتن دواوین شعراء و اشعار زیبا و عالی به کار می‌بردند.

غالباً فرامین و اوامر پادشاهان و امراء تیموری روی این کاغذها نوشته می‌شد. مخصوصاً یک نوع از این کاغذ خیلی عالی و ممتاز، سفید بود و ساخت آن به ایران اختصاص داشت. این نوع کاغذ را به واسطه تموجات و رگ‌هایی که داشته تشبیه به مرمر کرده و مرمری گفته‌اند که بیشتر فرامین و احکام دولتی روی آن نوشته می‌شده است. گذشته از آنچه در ایران ساخته می‌شد و یکی از شهرهای تولید آن تبریز بود، تیموریان انواع دیگری از کاغذهای عالی و ممتاز را از چین وارد می‌کرده‌اند. (همان، ۷۰) در آن عصر از کاغذ دیگری استفاده می‌شد که به کاغذ رنگی و زرافشان معروف بود که نسخه‌های غنی بر روی آن کتابت می‌شد. یکی از آنها نسخه اشعار عطار که روی کاغذ زرافشان کتابت شده و در زمان شاهرخ در سال ۸۴۱ هـ ق می‌باشد که در حال حاضر نیز در موزه توپ قاپوسرای ترکیه وجود دارد. (گری، ۱۳۵۴، ۶۵)

بحث

تیمور در عین آن که پیروزمندی برجسته بود در کار هنر حامی و مشوقی بزرگ به حساب می‌آمد و جانشینان وی نیز حامیان فعال و روشنگر بودند. در عصر آنان مهم‌ترین پیشرفت‌ها و سبک‌های هنری روی داد که آن را باید مدیون شوق، هیجان و علاقه تیمور و اخلاف او دانست. واقعیت مهمی که برای تاریخ هنر این عصر اهمیت دارد: مرکز قدرت به خراسان و ماوراءالنهر منتقل و پایتخت ابتدا در سمرقند و سپس هرات مستقر شد و هرات به مدت یک قرن مبدل به درخشان‌ترین مرکز فرهنگی تاریخ ایران شد و مرکز رنسانس هنری آسیای میانه گردید. در این رنسانس هنری از استعداد خلاق مردم هرات و تمام ملل مملکت وسیع تیموریان از مرزهای چین تا تبریز به کار گرفته شد و بدین صورت عصر جنبشی عظیم در هنر و ادبیات به وجود آمد. هنگامی که شاهرخ در هرات مرکز امپراتوری خود نشست. موارث هنر را در سمرقند و هرات پروراند و جانشینان وی به رشد و شکوفایی آن پرداختند. در زمان بایسنقر فرزند شاهرخ مدرسه تیموری در هنر به اوج خود رسید. وی که نقاش و خوشنویس بود در مدت ۳۹ سال پادشاهی‌اش هنرهای نگارگری، تجلید، و به طور کلی هنرهای تجسمی، ترسیم را به تعالی رسانید. همچنین می‌توان از شاهزاده ابراهیم که به عنوان یکی از خطاطان ماهر زمان خویش بود، نام برد که از اثرات وی می‌توان به کتیبه‌های مسجد گوهرشاد در مشهد اشاره کرد. در حوزه علم نجوم و ریاضی از شاهزاده هنرمند الغ بیگ نام آورده شده که در صدد برپا نمودن زیج (رصدخانه) برآمد. شایان ذکر است این جنبش تا عصر سلطان حسین بایقرا ادامه یافت.

حمایت و سلاطین و علایق سیری ناپذیر سلاطین و رجال تیموری از هنر و هنرمندان بزرگترین علل شکوفایی سبک‌های هنری بوده است و شگفت نیست که هنرهای اسلامی به طور کلی هنرهایی است که تا حد بسیار زیادی به پادشاهان، رجال و اطرافیان آنها وابسته است که همچون ستونی پشتیبان هنرمند و اهل هنر به آنها پشتگرمی دارند و به تخلیق آثار هنری پرداختند. خاندان تیموری سهم فراوانی در به ثمر رسیدن جنبش هنری و صنعتی و ادبی دارند و توانستند یک دوره از تاریخ ایران را با افتخار به نام خود رقم زنند. در این دوره بسیاری از هنرمندان و صنعت‌گران در کارگاه‌های خصوصی و کتابخانه‌های سلطنتی به کار گمارده شدند و هنرهای کتاب آرایی از جمله: (نگارگری، تذهیب، خوشنویسی، تجلید) و هنرهای تزئینی از جمله:

(کاشی‌کاری، سفال‌گری، حکاکی و حجاری) و معماری را به شکوفایی و اوج رساندند و در گرایش به ترسیم موجودات زنده و نقش‌های گیاهی زیبا از دیگر دوره‌ها ممتاز شدند.

نتیجه‌گیری

خاستگاه اولیه تیمور یعنی ماوراءالنهر با محوریت کش، سمرقند، مرو و بخارا یکی از کانون‌های اصلی فرهنگ و تمدن ایرانی در قرون قبل از اسلام و چند قرن بعد از ظهور اسلام محسوب می‌شد. این نواحی در برخی نظرگاه‌های جغرافیایی بخشی از خراسان بزرگ به حساب آمده است. هر چند در اعصار بعد از سامانیان با جابجایی‌های قومی و پیشروی ایلات ترک و ترکمان فرهنگ و زبان ایرانی در این نواحی تضعیف شده بود اما خاطرات و سوابق درخشان میراث فرهنگ ایرانی اعم از زبان و ادبیات فارسی، خاطرات و اساطیر را در ناحیه داشت. در واقع باید گفت، خراسان بزرگ با تحمل ضربات مهلک ترکمانان و مغولان اولین مراحل جذب این ایلات را در زبان و فرهنگ ایرانی و اسلامی برداشته بود. تیمور و تیموریان نیز در این فضای فرهنگی و تمدنی نشو و نما کرده بودند و با پیشروی به کانون‌های مرکز و غربی فرهنگ و تمدن ایرانی با این میراث آشنایی بیشتری پیدا کردند و بیشتر در آن مستحیل گردیدند. تیمور با بکار بستن رویه برخی فاتحان پیشین، هنرمندان شعب مختلف هنری مانند معماران، نقاشان، حکاکان، تذهیب‌کاران و خوشنویسان را به خاستگاه خود در ماوراءالنهر و خصوصاً سمرقند فرستاد و بر غنای فرهنگی منطقه افزود به دین ترتیب مبانی فرهنگ و تمدن ایرانی-اسلامی در منطقه تقویت گردید و این علائق تیموریان با پدید آمدن دوره آرامش نسبی بعد از تیمور گسترش و استحکام بیشتری یافت و در نتیجه شهرهای خراسان بزرگ به کانون فعالیت‌های طیف وسیعی از هنرمندان فرهنگ و تمدن تبدیل گردید. به دنبال این فعالیت‌ها هرات گوی سبقت را از اکثر شهرهای منطقه ربود و مکتبی به نام خود پدید آورد و سکوی پرشی بلند در حوزه‌های مختلف فکری و هنری پدید آورد که به دوره اعتلای عصر صفوی در این حوزه‌ها ختم گردید. بدین ترتیب با تعامل میراث غنی فرهنگ ایرانی از یک طرف و سیاست ترغیب و تشویق حکومتگران تیموری از طرف دیگر منجر به پدید آمدن دوره‌ای درخشان از فرهنگ و تمدن ایرانی گردید که در آن عناصر مختلف فکری مانند تذهیب، تجلید، خوشنویسی، نقاشی و معماری با استفاده از آموزه‌های اسلامی

و میراث ایرانی راه اعتلا پیمود. یافته‌های فوق که به طور مستند در متن پژوهش مورد بررسی تاریخی قرار گرفتند نشانگر اثبات فرضیه‌های اولیه تحقیق حاضر هستند.

منابع

- ۱- اتینگهاوزن، ریچارد و یا شاطر، احسان، (۱۳۷۹)، اوج های درخشان هنر ایران، ترجمه هرمز عبدالهی و رویین، پاکباز، انتشارات آگه.
- ۲- احسانی، محمد تقی، (۱۳۶۸)، جلدها و قلمدانها، تهران، امیرکبیر.
- ۳- اصفهانی، میرزا حبیب، (۱۳۶۹)، تذکره خط و خطاطان، ترجمه چاوش اکبری، تهران، انتشارات مستوفی.
- ۴- الماسی، مهدی، (۱۳۸۰)، سیری در نگارستان نقاشی ایران، تهران، کانون.
- ۵- برند، باربارا، (۱۳۷۳)، (هنر تهذیب و جلدهای اسلامی در ایران)، ترجمه داریوش کریمی، فصلنامه هنر، (پائیز ۱۳۷۳) شماره ۲۶، وزارت فرهنگ و ارشاد.
- ۶- برند، باربارا (۱۳۸۳)، هنر اسلامی، ترجمه مهناز شایسته فر، تهران، انتشارات موسسه مطالعات هنر اسلامی.
- ۷- بلر، شیلا و بلوم، جاناتا، (۱۳۸۱)، هنر و معماری اسلامی، ترجمه یعقوب آزند، تهران، انتشارات فرهنگ و ارشاد اسلامی.
- ۸- بیانی، مهدی، (۱۳۶۴)، احوال و آثار خوشنویسان، جلد اول، تهران، انتشارات علمی و دانشگاه تهران.
- ۹- پاکباز، رویین، (۱۳۸۰)، نقاشی ایران از دیرباز تا امروز، انتشارات زرین و سیمین، چاب دوم.
- ۱۰- پوپ، آرتور ابهام، (۱۳۷۷)، سیر و صور نقاشی ایران، ترجمه یعقوب آزند، تهران، انتشارات مولی.
- ۱۱- پوپ، آرتور ابهام، (۱۳۸۸)، شاهکار هنر ایران، اقتباس و نگارش پرویز ناتل خانلری، تهران، علمی و فرهنگی.
- ۱۲- حبیبی، عبدالهی، (۲۵۳۵)، هنر در عهد تیموریان و متفرعات آن، تهران، انتشارات بنیاد فرهنگ.

- ۱۳- رابینسون، ب.د، (۱۳۸۰)، تاریخ میراث ایران، ترجمه چاپخانه جان زاده.
- ۱۴- زکی، محمد حسن، (۱۳۷۲)، تاریخ نقاشی ایران، موسسه جغرافیایی و کارتگرافی، تهران، سحاب.
- ۱۵- زکی، محمد حسن، (۱۳۷۷)، هنر ایران، ترجمه محمد ابراهیم اقلیدی، تهران انتشارات صدای معاصر.
- ۱۶- سرمدی، عباس، (۱۳۸۰)، دانش نامه هنرمندان ایران و جهان اسلام، انتشارات هیرمند.
- ۱۷- قومی، قاضی امیر احمدبن شرف الدین حسین، (۱۳۵۱)، گلستان هنر، به تصحیح و اهتمام احمد سهیلی خوانساری، تهران، انتشارات منوچهری.
- ۱۸- گری، بازل، (۱۳۶۹)، نقاشی ایران، ترجمه عربعلی شروه، تهران، انتشارات عصر جدید، چاپ دوم.
- ۱۹- گری، بازل، (۱۳۵۴)، نگاهی به نگارگری در ایران، ترجمه و حواشی فیروز وانلو، انتشارات توس.
- ۲۰- ویلسن، کریستی، (۱۳۱۷)، تاریخ صنایع ایران، ترجمه عبدالله فریار، چاپخانه بروخیم.